

به نام خدا

# تقویت مهارت های زبانی دانش آموزان ابتدایی با رویکرد خلاقانه

مولفان :

مرضیه نظیفی

اشرف غفوری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه : نظیفی ، مرضیه ، ۱۳۵۴  
عنوان و نام پدیدآورندگان : تقویت مهارت های زبانی دانش آموزان ابتدایی با رویکرد خلاقانه / مولفان:  
مرضیه نظیفی ، اشرف غفوری  
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.  
مشخصات ظاهری : ۱۰۶ ص.  
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۳۶-۳  
شناسه افزوده : غفوری ، اشرف ، ۱۳۴۹  
وضعیت فهرست نویسی : فیفا  
یادداشت : کتابنامه.  
موضوع : تقویت مهارت های زبانی دانش آموزان ابتدایی با رویکرد خلاقانه  
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳  
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵  
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸  
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیفا

نام کتاب : تقویت مهارت های زبانی دانش آموزان ابتدایی با رویکرد خلاقانه

مولفان: مرضیه نظیفی - اشرف غفوری

ناشر : انتشارات ارسطو ( سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۶۵۶-۳۶-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



chaponashr.ir



iran-journals.com



## فهرست

|                                                           |    |
|-----------------------------------------------------------|----|
| مقدمه .....                                               | ۵  |
| فصل اول: مبانی نظری و تحولی زبان در دوره ابتدایی .....    | ۹  |
| رشد زبانی کودک و ویژگی‌های شناختی این دوره: .....         | ۱۲ |
| نقش زبان در شکل‌گیری یادگیری و هویت فردی: .....           | ۱۵ |
| پیوند زبان با تفکر و خلاقیت: .....                        | ۱۸ |
| تفاوت‌های فردی در رشد مهارت‌های زبانی: .....              | ۲۱ |
| جایگاه مدرسه در پرورش زبان پایه: .....                    | ۲۳ |
| فصل دوم: رویکردهای خلاقانه در آموزش مهارت‌های زبانی ..... | ۲۷ |
| مفهوم خلاقیت در آموزش زبان: .....                         | ۲۹ |
| یادگیری فعال و مشارکت‌محور در کلاس درس: .....             | ۳۲ |
| بازی‌محوری به عنوان ابزار رشد زبانی: .....                | ۳۴ |
| یادگیری تجربی و نقش موقعیت‌های واقعی: .....               | ۳۷ |
| فضای امن آموزشی و اثر آن بر بیان زبانی: .....             | ۴۲ |
| فصل سوم: تقویت مهارت گفتن و شنیدن به شیوه‌های خلاق .....  | ۴۷ |
| قصه‌گویی و بازآفرینی روایت‌ها: .....                      | ۴۹ |
| گفت‌وگوهای هدایت‌شده و بحث‌های کلاسی: .....               | ۵۱ |
| نمایش خلاق و ایفای نقش: .....                             | ۵۵ |
| بازی‌های شنیداری و دقت شنیداری: .....                     | ۵۷ |
| پرورش بیان احساسات و افکار شفاهی: .....                   | ۶۱ |
| فصل چهارم: تقویت مهارت خواندن و نوشتن خلاق .....          | ۶۷ |
| خواندن تعاملی و معنا محور: .....                          | ۶۹ |
| تولید متن‌های کوتاه و خلاقانه: .....                      | ۷۲ |

|                                                                 |            |
|-----------------------------------------------------------------|------------|
| نوشتن شخصی و دفتر تجربه‌های زبانی:                              | ۷۴         |
| تصویرخوانی و پیوند متن و تصویر:                                 | ۷۸         |
| رشد تدریجی ساختار نوشتاری با رویکرد حمایتی:                     | ۸۰         |
| <b>فصل پنجم: نقش معلم، خانواده و محیط یادگیری در پرورش زبان</b> | <b>۸۳</b>  |
| معلم به‌عنوان تسهیل‌گر خلاقیت زبانی:                            | ۸۵         |
| طراحی فعالیت‌های متنوع و انعطاف‌پذیر:                           | ۸۸         |
| نقش خانواده در تقویت زبان کودک:                                 | ۹۲         |
| ارزیابی توصیفی در مهارت‌های زبانی:                              | ۹۵         |
| ایجاد فرهنگ زبانی پویا در مدرسه:                                | ۹۸         |
| نتیجه‌گیری:                                                     | ۱۰۰        |
| <b>منابع</b>                                                    | <b>۱۰۳</b> |

## مقدمه

زبان نخستین پل ارتباطی انسان با جهان پیرامون است و در سال‌های آغازین زندگی، نقش بنیادین در شکل‌گیری اندیشه، احساس و هویت فردی ایفا می‌کند. کودک از طریق زبان می‌آموزد چگونه ببیند، تجربه‌های خود را معنا کند و با دیگران رابطه برقرار سازد. دوره ابتدایی، حساس‌ترین و اثرگذارترین مقطع برای پرورش مهارت‌های زبانی به شمار می‌آید، زیرا در این مرحله ساختارهای شناختی، عاطفی و اجتماعی به‌صورت هم‌زمان در حال شکل‌گیری و تثبیت هستند. هرگونه غفلت یا رویکرد سطحی در آموزش زبان در این دوره، می‌تواند پیامدهای ماندگاری بر فرایند یادگیری و تعامل اجتماعی دانش‌آموزان بر جای بگذارد.

نظام‌های آموزشی معاصر بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های پیچیده در حوزه آموزش زبان مواجه‌اند. تغییر سبک زندگی، گسترش رسانه‌های دیجیتال، کاهش تعاملات کلامی عمیق و افزایش یادگیری‌های سطحی، ضرورت بازاندیشی در شیوه‌های آموزش مهارت‌های زبانی را دوچندان کرده است. دانش‌آموزان امروز در محیطی رشد می‌کنند که سرشار از تصویر، پیام‌های کوتاه و ارتباطات سریع است و همین امر می‌تواند فرصت‌های گفت‌وگوی عمیق و بیان منسجم را محدود سازد. مدرسه در چنین شرایطی وظیفه‌ای سنگین بر عهده دارد و آن ایجاد تعادل میان اقتضائات دنیای نوین و نیازهای بنیادین رشد زبانی کودک است.

آموزش زبان در دوره ابتدایی تنها به آموزش خواندن و نوشتن محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی جامع است که مهارت‌های شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن را به‌صورت یکپارچه در بر می‌گیرد. هر یک از این مهارت‌ها در تعامل با دیگری معنا می‌یابد و رشد متوازن آن‌ها زمینه‌ساز یادگیری مؤثر در سایر حوزه‌های درسی می‌شود. کودکانی که از توانایی زبانی بالاتری برخوردارند، مفاهیم درسی را بهتر درک می‌کنند، ارتباط مؤثرتری با معلم و همسالان برقرار می‌سازند و اعتمادبه‌نفس بیشتری در بیان افکار و احساسات خود دارند.

در این میان، رویکردهای سنتی و حافظه‌محور در آموزش زبان، پاسخگوی نیازهای متنوع و پویای دانش‌آموزان ابتدایی نیستند. تکیه صرف بر تکرار، تمرین‌های یکنواخت و تأکید افراطی بر درست‌نویسی صوری، می‌تواند انگیزه یادگیری را کاهش دهد و زبان را از ماهیت زنده و خلاق خود دور سازد. کودک در چنین فضایی زبان را نه به‌عنوان ابزار بیان و اندیشه، بلکه به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد خشک تجربه می‌کند. این نگاه محدود، فرصت شکوفایی خلاقیت

زبانی و رشد طبیعی مهارت‌ها را از دانش‌آموزان سلب می‌کند. رویکرد خلاقانه در آموزش مهارت‌های زبانی، پاسخی آگاهانه به این چالش‌ها به شمار می‌آید. این رویکرد با تأکید بر تجربه، تخیل، مشارکت فعال و لذت یادگیری، زبان را به بخشی از زندگی روزمره کودک تبدیل می‌کند. در آموزش خلاقانه، یادگیری از دل فعالیت‌های معنادار، بازی، قصه، هنر و تعامل اجتماعی شکل می‌گیرد و دانش‌آموز در نقش کنشگر فعال ظاهر می‌شود. چنین فضایی، زبان را از چارچوب کتاب و تمرین‌های تکراری فراتر می‌برد و آن را به ابزاری برای کشف، خلق و ارتباط بدل می‌سازد.

کتاب حاضر با هدف تبیین و توسعه رویکرد خلاقانه در تقویت مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان ابتدایی نگاشته شده است. این اثر می‌کوشد با نگاهی عمیق و کاربردی، پیوند میان نظریه‌های رشد زبانی و شیوه‌های عملی آموزش را برقرار سازد. تمرکز اصلی کتاب بر این باور استوار است که هر کودک ظرفیت‌های زبانی منحصر به فردی دارد و آموزش مؤثر زمانی محقق می‌شود که این تفاوت‌ها به رسمیت شناخته شوند و بستر مناسبی برای بروز آن‌ها فراهم آید. در این کتاب، زبان نه به‌عنوان موضوعی مستقل و جدا از سایر تجربه‌های یادگیری، بلکه به‌عنوان محور اصلی رشد شناختی و اجتماعی کودک مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد خلاقانه به آموزش زبان، فرصتی برای هم‌افزایی میان مهارت‌های زبانی و سایر حوزه‌ها مانند هنر، بازی، تعامل اجتماعی و تفکر انتقادی فراهم می‌آورد. چنین نگاهی، یادگیری را یکپارچه می‌سازد و از جزیره‌ای شدن آموزش جلوگیری می‌کند.

مخاطبان اصلی این کتاب، معلمان دوره ابتدایی، دانشجویان علوم تربیتی، برنامه‌ریزان آموزشی و تمامی علاقه‌مندان به حوزه آموزش زبان کودک هستند. مطالب ارائه‌شده به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که علاوه بر پشتوانه نظری، قابلیت اجرا در فضای واقعی کلاس درس را داشته باشند. تأکید بر مثال‌های کاربردی، فعالیت‌های خلاق و تحلیل نقش معلم و محیط یادگیری، این کتاب را به منبعی عملی برای بهبود کیفیت آموزش زبان تبدیل می‌کند. در تدوین این اثر، تلاش شده است از زبان علمی روان و در عین حال قابل فهم استفاده شود تا ارتباط مؤثری با خواننده برقرار گردد. ساختار کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده که خواننده را گام‌به‌گام با مفاهیم بنیادین، رویکردهای نوین و راهکارهای اجرایی آشنا سازد. هر فصل به یکی از ابعاد مهم تقویت مهارت‌های زبانی می‌پردازد و در مجموع تصویری جامع از آموزش خلاقانه زبان در

دوره ابتدایی ارائه می‌دهد. نگاه محوری کتاب بر این اصل استوار است که آموزش زبان، فرایندی انسانی و پویاست که در بستر رابطه، احترام و اعتماد شکل می‌گیرد. نقش معلم در این میان فراتر از انتقال‌دهنده دانش است و به‌عنوان تسهیل‌گر، الهام‌بخش و همراه یادگیری تعریف می‌شود. معلم با ایجاد فضای امن و حمایتگر، زمینه بروز خلاقیت زبانی را فراهم می‌کند و به دانش‌آموزان امکان می‌دهد بدون ترس از خطا، زبان را تجربه و کشف کنند.

نقش خانواده و محیط اجتماعی در تقویت مهارت‌های زبانی کودک نادیده گرفته نشده است. زبان در تعاملات روزمره، گفت‌وگوهای خانوادگی و تجربه‌های اجتماعی معنا می‌یابد و مدرسه نمی‌تواند به‌تنهایی مسئول رشد زبانی کودک باشد. این کتاب بر ضرورت هم‌افزایی میان مدرسه و خانواده تأکید دارد و اهمیت ایجاد فرهنگ زبانی غنی در محیط زندگی کودک را برجسته می‌سازد.

این مقدمه بر این باور تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاری بر تقویت مهارت‌های زبانی در دوره ابتدایی، سرمایه‌گذاری بر آینده یادگیری و رشد جامعه است. کودکانی که توانایی بیان، درک و تفسیر زبان را به‌خوبی می‌آموزند، در مسیر یادگیری مادام‌العمر، مشارکت اجتماعی و تفکر خلاق گام‌های استوارتری برمی‌دارند. کتاب پیش رو تلاشی است در جهت فراهم آوردن چارچوبی علمی و عملی برای تحقق این هدف و امید دارد بتواند گامی مؤثر در ارتقای کیفیت آموزش زبان در دوره ابتدایی بردارد.





## فصل اول

### مبانی نظری و تحولی زبان در دوره ابتدایی

زبان به عنوان یکی از بنیادی ترین ابزارهای شناخت انسان، نقش محوری در فرایند رشد ذهنی و اجتماعی کودک ایفا می کند. در دوره ابتدایی، زبان نه تنها وسیله انتقال معنا بلکه سازوکار اصلی سازمان دهی تجربه، تفکر و تعامل با محیط پیرامون است. کودک از طریق زبان، جهان را طبقه بندی می کند، روابط میان پدیده ها را درمی یابد و تجربه های پراکنده را به ساختارهای منسجم ذهنی تبدیل می سازد. این دوره زمانی، مرحله ای حساس در تحول زبانی به شمار می آید که در آن ظرفیت های بالقوه به تدریج به توانایی های بالفعل تبدیل می شوند. مبانی نظری رشد زبان بر این اصل استوار است که زبان پدیده ای صرفاً زیستی یا صرفاً اجتماعی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده میان آمادگی های درونی و محرک های محیطی است. کودک با قابلیت های اولیه زبانی متولد می شود، اما کیفیت و عمق رشد این قابلیت ها به میزان تعامل، تجربه و غنای محیط زبانی وابسته است. دوره ابتدایی زمانی است که این تعامل ها به شکل هدفمند و ساختارمند در بستر آموزش رسمی گسترش می یابد و زبان از سطح ارتباط روزمره فراتر رفته و به ابزار یادگیری مفاهیم انتزاعی تبدیل می شود.

در نظریه های تحولی، زبان به عنوان پیونددهنده تفکر و عمل معرفی می شود. کودک در سال های ابتدایی مدرسه می آموزد که اندیشه های خود را به واژه و جمله تبدیل کند و از طریق زبان، تفکر خویش را سامان دهد. این فرایند به تدریج موجب درونی سازی زبان می شود، به گونه ای که گفتار بیرونی جای خود را به گفتار درونی می دهد و زبان به ابزار خودتنظیمی و حل مسئله بدل می گردد. چنین تحولی، زیربنای رشد شناختی و یادگیری عمیق در سال های بعد را فراهم می آورد. رشد زبانی در دوره ابتدایی دارای ابعاد گوناگون است که شامل گسترش دایره واژگان، پیچیده تر شدن ساختارهای نحوی، افزایش توانایی درک متون و ارتقای مهارت بیان شفاهی و نوشتاری می شود. این ابعاد به صورت جداگانه رشد نمی کنند، بلکه در

تعامل مستمر با یکدیگر قرار دارند. هر تجربه زبانی جدید می تواند همزمان چندین بعد را تقویت کند و به انسجام نظام زبانی کودک بینجامد.

از منظر تحولی، زبان در این دوره به تدریج از حالت عینی و موقعیتی فاصله می گیرد و به سوی انتزاع و تعمیم حرکت می کند. دانش آموز ابتدایی می آموزد که درباره امور غایب، مفاهیم کلی و تجربه های غیرمستقیم سخن بگوید و بنویسد. این گذار تحولی، نقش تعیین کننده ای در آمادگی برای یادگیری دروس مختلف دارد و نشان دهنده بلوغ تدریجی نظام زبانی و شناختی کودک است.

نظریه های یادگیری اجتماعی بر اهمیت تعامل در رشد زبان تأکید دارند. زبان در بستر گفت و گو، همکاری و مشارکت اجتماعی معنا می یابد و کودک از طریق تعامل با معلم و همسالان، الگوهای زبانی پیچیده تر را فرا می گیرد. کلاس درس در دوره ابتدایی می تواند به محیطی غنی برای این تعامل ها تبدیل شود، مشروط بر آنکه فرصت های واقعی برای گفتن، شنیدن و تبادل معنا فراهم آید. در رویکردهای شناختی، زبان به عنوان ساختاری پویا در نظر گرفته می شود که همزمان با رشد تفکر تحول می یابد. کودک با افزایش توانایی های شناختی، قادر می شود ساختارهای زبانی پیچیده تری را درک و تولید کند. در این چارچوب، آموزش زبان باید همسو با سطح رشد شناختی طراحی شود و از تحمیل ساختارهای فراتر از ظرفیت تحولی پرهیز گردد.

نقش حافظه فعال در تحول زبانی دوره ابتدایی بسیار برجسته است. کودک در این سنین می آموزد اطلاعات شنیداری و دیداری را پردازش کند، آن ها را در ذهن نگه دارد و به تولید زبانی منسجم تبدیل سازد. تقویت این توانایی، زمینه درک بهتر متن، جمله سازی دقیق تر و بیان منظم تر را فراهم می آورد. تفاوت های فردی در رشد زبان از دیگر مبانی مهم نظری است که در دوره ابتدایی نمود آشکاری دارد. دانش آموزان با پیشینه های زبانی، فرهنگی و تجربی متفاوت وارد مدرسه می شوند و این تفاوت ها بر سرعت و شیوه رشد زبانی آن ها اثر می گذارد. رویکرد تحولی به زبان بر ضرورت توجه به این تفاوت ها تأکید دارد و آموزش یکسان و یکنواخت را ناکارآمد می داند. زبان در این دوره، پیوندی عمیق با هیجان و عاطفه دارد. کودک از طریق زبان احساسات خود را شناسایی، نام گذاری و تنظیم می کند. توانایی بیان عاطفی،

نقش مهمی در سلامت روان و روابط اجتماعی ایفا می‌کند و آموزش زبان بدون توجه به این بعد، ناقص خواهد بود. محیط آموزشی حمایتگر، زمینه بروز آزادانه احساسات و تقویت زبان عاطفی را فراهم می‌سازد.

تحول زبان نوشتاری یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دوره ابتدایی است. گذار از زبان شفاهی به نوشتاری، نیازمند بازسازمان‌دهی ساختارهای زبانی و شناختی است. کودک می‌آموزد افکار خود را به صورت مکتوب و مستقل از موقعیت بیان کند و این امر مستلزم رشد توانایی برنامه‌ریزی، انسجام و دقت زبانی است. این تحول به تدریج و در تعامل با تجربه‌های خواندن و نوشتن شکل می‌گیرد. در نظریه‌های تحولی، خواندن به عنوان فرایندی معنامحور تعریف می‌شود که فراتر از رمزگشایی نشانه‌هاست. کودک در دوره ابتدایی می‌آموزد میان متن و دانش پیشین خود ارتباط برقرار کند و از زبان برای ساخت معنا بهره گیرد. این نگاه، آموزش خواندن را به فعالیتی فکری و تعاملی تبدیل می‌کند و نقش زبان را در توسعه فهم عمیق برجسته می‌سازد. تحول زبان در این دوره به شدت تحت تأثیر کیفیت آموزش قرار دارد. آموزش مبتنی بر تعامل، تجربه و خلاقیت می‌تواند فرایند رشد را تسریع و تعمیق کند، در حالی که آموزش محدود به تمرین‌های مکانیکی، رشد زبان را سطحی و شکننده می‌سازد. مبانی نظری معاصر بر این باور تأکید دارند که زبان در بستر معنا و کاربرد واقعی شکوفا می‌شود. از منظر تحولی، خطاهای زبانی کودک نشانه ضعف نیستند، بلکه بازتابی از فرایند یادگیری و ساخت فرضیه‌های زبانی محسوب می‌شوند. برخورد حمایتی با این خطاها، فرصت بازنگری و اصلاح تدریجی را فراهم می‌آورد و اعتماد به نفس زبانی را حفظ می‌کند. این نگاه، تغییر مهمی در نگرش به آموزش زبان در دوره ابتدایی ایجاد کرده است. رشد زبان در این دوره با شکل‌گیری هویت تحصیلی و اجتماعی کودک پیوند خورده است. توانایی بیان اندیشه و مشارکت در گفت‌وگوهای کلاسی، احساس شایستگی و تعلق را تقویت می‌کند و به شکل‌گیری تصویر مثبت از خود می‌انجامد. زبان در این معنا، ابزار قدرت‌بخش و هویت‌ساز است.

مبانی نظری جدید بر نقش محیط یادگیری غنی تأکید دارند. کلاس درسی که سرشار از گفت‌وگو، داستان، متن‌های متنوع و فعالیت‌های زبانی معنادار باشد، می‌تواند رشد تحولی

زبان را به طور چشمگیری ارتقا دهد. چنین محیطی زبان را از حالت رسمی و محدود خارج می سازد و آن را به بخشی زنده از تجربه روزمره دانش آموز تبدیل می کند. مبانی نظری و تحولی زبان در دوره ابتدایی نشان می دهد که این مقطع زمانی، فرصتی بی بدیل برای بنیان گذاری توانایی های زبانی پایدار است. هر تصمیم آموزشی در این دوره، می تواند مسیر رشد زبانی و یادگیری آینده کودک را تحت تأثیر قرار دهد. توجه عمیق به اصول تحولی، شناختی و اجتماعی زبان، شرط اساسی طراحی آموزش مؤثر و خلاقانه در دوره ابتدایی به شمار می آید.

### رشد زبانی کودک و ویژگی های شناختی این دوره:

رشد زبانی کودک در دوره ابتدایی یکی از پیچیده ترین و در عین حال تعیین کننده ترین فرایندهای تحول انسانی به شمار می آید. زبان در این مقطع صرفاً وسیله ای برای بیان خواسته ها نیست، بلکه ابزار اصلی سازمان دهی تفکر، شکل گیری مفاهیم و تعامل معنادار با محیط اجتماعی محسوب می شود. کودک با ورود به مدرسه، زبان را از سطح تجربه های شخصی و خانوادگی به سطحی گسترده تر و ساختارمندتر منتقل می کند و به تدریج می آموزد از آن برای یادگیری نظام مند و ارتباط هدفمند استفاده کند. در این دوره، رشد زبانی هم زمان با تحول شناختی پیش می رود و این دو حوزه به شدت بر یکدیگر اثر می گذارند. کودک با گسترش توانایی های ذهنی خود، قادر می شود واژه های بیشتری را درک کند، روابط معنایی پیچیده تری بسازد و مفاهیم انتزاعی تری را در زبان خود به کار گیرد. زبان به ابزاری برای اندیشیدن تبدیل می شود و تفکر بدون زبان عمق و انسجام لازم را نمی یابد. یکی از ویژگی های شناختی برجسته این دوره، گذار تدریجی از تفکر عینی به تفکر نیمه انتزاعی است. کودک در سال های ابتدایی مدرسه هنوز به تجربه های ملموس وابسته است، اما به تدریج توانایی تعمیم، مقایسه و طبقه بندی را به دست می آورد. این تحول شناختی به طور مستقیم در رشد زبانی بازتاب می یابد و موجب می شود ساختار جملات پیچیده تر شود و مفاهیم کلی تر در گفتار و نوشتار کودک ظاهر گردد. دایره واژگان کودک در این دوره رشد چشمگیری دارد و واژه ها از حالت منفرد و موقعیتی به شبکه ای معنایی تبدیل می شوند. کودک می آموزد میان واژه ها رابطه برقرار کند، مترادف ها را تشخیص دهد و واژه ها را در بافت های متفاوت به کار گیرد. این توانایی نشان دهنده رشد شناختی در حوزه معنا و طبقه بندی ذهنی است و نقش مهمی

در درک متون و بیان دقیق اندیشه‌ها دارد. از منظر شناختی، حافظه فعال در این دوره تقویت می‌شود و کودک قادر است اطلاعات زبانی بیشتری را هم‌زمان پردازش کند. این ویژگی به او امکان می‌دهد جملات طولانی‌تر را درک کند، روایت‌های پیچیده‌تری را دنبال نماید و در تولید گفتار و نوشتار انسجام بیشتری نشان دهد. رشد حافظه فعال، زیربنای پیشرفت در مهارت‌های خواندن و نوشتن به شمار می‌آید. در این مقطع، توجه کودک نیز دچار تحول می‌شود و از حالت ناپایدار و کوتاه‌مدت به سمت تمرکز طولانی‌تر حرکت می‌کند. این ویژگی شناختی زمینه مناسبی برای فعالیت‌های زبانی هدفمند فراهم می‌آورد و کودک می‌تواند در گفت‌وگوهای طولانی‌تر شرکت کند و متن‌های مفصل‌تری را دنبال نماید. رشد توجه پایدار، امکان تعمیق تجربه‌های زبانی را افزایش می‌دهد.

رشد زبانی کودک در دوره ابتدایی با افزایش توانایی روایت‌گری همراه است. کودک می‌آموزد رویدادها را به‌صورت منظم بیان کند، ترتیب زمانی را رعایت نماید و ارتباط منطقی میان اجزای داستان برقرار سازد. این مهارت نشان‌دهنده رشد هم‌زمان زبان و تفکر منطقی است و نقش مهمی در موفقیت تحصیلی و اجتماعی کودک ایفا می‌کند. از ویژگی‌های شناختی مهم این دوره، رشد تدریجی توانایی فراشناختی است. کودک به تدریج نسبت به فرایندهای ذهنی خود آگاه‌تر می‌شود و می‌تواند درباره فهمیدن یا نفهمیدن یک مطلب اظهار نظر کند. این آگاهی فراشناختی در حوزه زبان به کودک کمک می‌کند خطاهای زبانی خود را تشخیص دهد و برای اصلاح آن‌ها تلاش کند. زبان در این دوره نقش اساسی در تنظیم هیجان‌ها دارد. کودک از طریق واژه‌ها می‌آموزد احساسات خود را نام‌گذاری کند و آن‌ها را به شیوه‌ای قابل فهم برای دیگران بیان نماید. این توانایی شناختی و عاطفی، پایه‌گذار روابط اجتماعی سالم و کاهش تعارض‌های رفتاری است. رشد زبان عاطفی به کودک امکان می‌دهد تجربه‌های درونی خود را معنا کند و به تعادل روانی دست یابد. تحول شناختی کودک در این دوره با افزایش توانایی استدلال ساده همراه است. کودک می‌تواند علت و معلول را درک کند و این درک در ساختارهای زبانی او منعکس می‌شود. استفاده از جملات توضیحی، توصیفی و استدلالی نشان‌دهنده رشد هم‌زمان زبان و تفکر منطقی است. این تحول، زبان را از سطح گزارش ساده به سطح تحلیل ابتدایی ارتقا می‌دهد.

رشد زبان نوشتاری یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تحول شناختی در دوره ابتدایی است. کودک می‌آموزد اندیشه‌های خود را مستقل از موقعیت حضوری و مخاطب مستقیم بیان کند. این فرایند نیازمند برنامه‌ریزی ذهنی، سازمان‌دهی معنا و کنترل شناختی است و نشان‌دهنده بلوغ تدریجی کارکردهای اجرایی ذهن به شمار می‌آید. در این دوره، کودک با قواعد زبانی به صورت ناآگاهانه و تدریجی آشنا می‌شود. او از طریق تجربه‌های زبانی مکرر، الگوهای نحوی و معنایی را درونی می‌سازد. این یادگیری طبیعی و مبتنی بر تعامل، مؤثرتر از آموزش مستقیم و تحمیلی قواعد است و با ویژگی‌های شناختی این سن همخوانی بیشتری دارد. رشد شناختی کودک در این دوره هنوز کامل و تثبیت‌شده نیست و نیازمند حمایت محیطی است. زبان به عنوان ابزار میانجی، نقش مهمی در این حمایت ایفا می‌کند. گفت‌وگوهای هدایت‌شده، توضیح‌های ساده و فرصت بیان آزاد، به کودک کمک می‌کند مفاهیم جدید را درک کند و ساختارهای شناختی خود را گسترش دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های شناختی این دوره، تمایل به تقلید و الگوپذیری است. کودک از طریق شنیدن گفتار بزرگسالان و همسالان، الگوهای زبانی را جذب می‌کند و آن‌ها را در گفتار خود به کار می‌گیرد. این ویژگی، اهمیت محیط زبانی غنی و الگوهای گفتاری مناسب را دوچندان می‌سازد. رشد زبان کودک با بازی پیوندی عمیق دارد. بازی‌های نمادین و کلامی، فرصت‌هایی ارزشمند برای تمرین زبان و گسترش تخیل فراهم می‌آورند. در این فعالیت‌ها، کودک نقش‌ها را تجربه می‌کند، گفت‌وگو می‌سازد و مفاهیم اجتماعی را از طریق زبان می‌آموزد. این فرایند نشان‌دهنده تعامل پویای زبان و شناخت در این دوره است. در دوره ابتدایی، کودک به تدریج توانایی درک دیدگاه دیگران را پیدا می‌کند. این تحول شناختی که با رشد همدلی همراه است، در زبان کودک بازتاب می‌یابد و موجب می‌شود گفتار او مخاطب‌محورتر شود. توجه به نیازها و احساسات شنونده، نشانه‌ای از رشد اجتماعی و زبانی هم‌زمان است. تفاوت‌های فردی در رشد زبانی و شناختی در این دوره به وضوح قابل مشاهده است. برخی کودکان در بیان شفاهی توانمندترند و برخی در درک نوشتار پیشرفت بیشتری نشان می‌دهند. این تفاوت‌ها طبیعی و ناشی از تعامل عوامل فردی و محیطی هستند و آموزش مؤثر باید انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گو به این تنوع باشد.

رشد زبانی کودک در این مقطع به شدت تحت تأثیر کیفیت تعاملات آموزشی قرار دارد. محیطی که در آن گفت‌وگو، پرسشگری و بیان آزاد تشویق شود، می‌تواند رشد شناختی و زبانی را تسریع کند. در مقابل، محیط محدود و کنترل‌گر، ظرفیت‌های بالقوه کودک را سرکوب می‌کند و زبان را به ابزاری منفعل تبدیل می‌سازد. رشد زبانی کودک و ویژگی‌های شناختی دوره ابتدایی نشان می‌دهد که این مقطع زمانی، دوره‌ای حساس و تعیین‌کننده در شکل‌گیری بنیان‌های یادگیری است. زبان در این مرحله نه تنها هدف آموزش بلکه وسیله اصلی تحقق سایر اهداف تربیتی است. توجه آگاهانه به ویژگی‌های شناختی کودک و طراحی تجربه‌های زبانی متناسب با آن‌ها، شرط اساسی پرورش نسلی توانمند در اندیشه، ارتباط و خلاقیت به شمار می‌آید.

### نقش زبان در شکل‌گیری یادگیری و هویت فردی:

زبان یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای انسانی است که از نخستین سال‌های زندگی، مسیر یادگیری و شکل‌گیری هویت فردی را جهت‌دهی می‌کند. کودک از طریق زبان با جهان پیرامون پیوند برقرار می‌سازد و تجربه‌های پراکنده خود را به معنا تبدیل می‌کند. واژه‌ها تنها نشانه‌هایی برای نام‌گذاری اشیا نیستند، بلکه ابزارهایی برای اندیشیدن، تفسیر کردن و ساختن تصویر ذهنی از خود و دیگران به شمار می‌آیند. هر تجربه یادگیری که در ذهن کودک شکل می‌گیرد، در بستری زبانی معنا پیدا می‌کند و بدون زبان، انتقال و تثبیت آن امکان‌پذیر نخواهد بود. یادگیری در دوره کودکی ماهیتی اجتماعی و تعاملی دارد و زبان در مرکز این تعامل قرار می‌گیرد. کودک با گوش دادن، پاسخ دادن و مشارکت در گفت‌وگو، الگوهای فکری و رفتاری محیط خود را درونی می‌سازد. این فرایند موجب می‌شود یادگیری از سطح تقلید فراتر رود و به درک عمیق و پایدار تبدیل شود. زبان در این مسیر نقش میانجی را ایفا می‌کند و به کودک امکان می‌دهد تجربه‌های فردی را با دانش جمعی پیوند دهد.

هویت فردی کودک در تعامل مستمر با زبان شکل می‌گیرد. نحوه خطاب شدن، فرصت بیان دیدگاه‌ها و میزان شنیده شدن، همگی پیام‌هایی درباره ارزشمندی یا بی‌اهمیتی فرد به کودک منتقل می‌کنند. زمانی که کودک امکان بیان آزادانه افکار و احساسات خود را دارد، تصویر مثبتی از توانایی‌های خویش می‌سازد و احساس شایستگی در او تقویت می‌شود. این احساس